

Islamic Knowledge and Insight

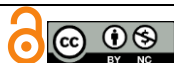
Behavioral Methods of Economic Education in the Qur'an and Hadith

1. Barat Madah: PhD Student, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Seyyed Ahmad Mirian*: Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Email: mirian@mailsac.com)
3. Mohammad Hadi Yadollahpour: Associate Professor, Department of Islamic Studies, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

Abstract

Attention to education in the realm of economics is a topic that has consistently been at the forefront of economic policymakers in developed countries. Their approach is typically based on a model of ideal individual and social life, and to implement this, they have established purposeful policies in the field of educational systems. The Qur'an and the Hadith of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), with their comprehensive teachings, have also provided specific and organized recommendations in this regard, which can be utilized and implemented as behavioral methods of education. Since attention to economic education, along with the necessary knowledge and insight in this area, is fundamental in every society based on its educational doctrines and principles, it is essential for Islamic communities to refer to their authoritative sources, namely the Qur'an and Hadith. This study, titled "Behavioral Methods of Economic Education in the Qur'an and Hadith," aims to extract and explain the methods of economic education by employing an analytical-descriptive approach and referring to the valuable texts of the Qur'an and the Hadith of the Ahl al-Bayt (peace be upon them). The research findings show that the Qur'an and the Hadith introduce various behavioral methods, including: encouraging work and effort, providing role models, preaching, urging contentment, proper planning, avoiding waste and extravagance, controlling consumption, practicing moderation, promoting self-sufficiency, enjoining good and forbidding evil, admonition and reminders, firm action, analysis, and prohibition.

Keywords: *Qur'an, Hadith, Economic Education, Behavioral Methods.*



How to cite: Madah, B., Mirian, S. A., & Yadollahpour, M. H. (2024). Behavioral Methods of Economic Education in the Qur'an and Hadith. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 20-36.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 July 2024

Revise Date: 11 September 2024

Accept Date: 25 September 2024

Publish Date: 11 October 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

روش‌های رفتاری تربیت اقتصادی در قرآن و روایات

۱. برات مداح: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. سید احمد میریان*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (پست الکترونیک: mirian@mailsac.com)
۳. محمدحادی بدالله پور: دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، ایران

چکیده

توجه به تربیت در حوزه اقتصاد مقوله‌ای است که در طول سالیان گذشته همواره مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای پیشرفته البته منطبق بر دیدگاه آن‌ها از الگوی مطلوب و مادی زندگی فردی و اجتماعی قرار داشته و برای اجرایی نمودن آن سیاست‌گذاری هدفمندی را در عرصه نظام تربیتی تدارک دیده‌اند. قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز با توجه به جامعیت تعالیم آن، با ارائه برنامه‌ای دقیق و مدون، در این راستا توصیه‌هایی داشته‌اند که در قالب روش‌های رفتاری تربیتی قابلیت استفاده و اجرا دارد. از آن جایی که توجه به تربیت اقتصادی و نیازهای دانشی و بینشی در این حوزه در هر جامعه‌ای مبتنی بر آموزه‌ها و مبانی آن‌جامعه می‌باشد، در جوامع اسلامی ضرورت دارد تا به منابع متقن و مورد پذیرش آنان؛ یعنی قرآن و روایات رجوع شود. پژوهش حاضر تحت عنوان «روش‌های رفتاری تربیت اقتصادی در قرآن و روایات» تلاش نموده تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به کتاب ارزشمند قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، روش‌های تربیت اقتصادی را استخراج و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که قرآن و روایات روش‌های رفتاری متعددی از جمله: دعوت به کار و تلاش، ارائه الگو، موعظه، دعوت به قناعت، برنامه‌ریزی درست، پرهیز از اسراف و تبذیر، کنترل مصرف، رعایت میانه‌روی، ترویج روحیه خودکفایی، امر به معروف و نهی از منکر، تذکر و یادآوری، برخورد قاطع، تحلیل و تحریم را به مخاطب معرفی نموده‌اند.

کلیدواژه‌گان: قرآن، روایات، تربیت اقتصادی، روش‌های رفتاری.

شیوه استناددهی: مداح، برات، میریان، سید احمد. و بدالله پور، محمدحادی. (۱۴۰۳). روش‌های رفتاری تربیت اقتصادی در قرآن و روایات. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۳)، ۲۰-۳۶.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۶ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

یکی از ساحت‌های مهم و قابل تأمل در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ساحت «تربیت اقتصادی» می‌باشد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دینی که خداوند قرار داده، برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه دارد. مباحث اقتصادی نیز از اهمیت ویژه‌ای در تعالیم اسلامی برخوردار هستند و بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) به این مفاهیم پرداخته است. لزوم تربیت اقتصادی، حقیقتی است که برای رشد و زنده شدن جامعه حیاتی است؛ چرا که اگر جامعه‌ای از جهت اقتصادی فاسد باشد، نمی‌تواند راه سعادت و کمال را طی کند. توجه به اهمیت تربیت اقتصادی و رفتارسازی مطلوب در حوزه اقتصاد، مقوله‌ای است که در طول ادوار گذشته همواره مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای پیشرفته - البته منطبق بر دیدگاه آن‌ها - از الگوی مطلوب و مادی زندگی فردی و اجتماعی قرار داشته و برای اجرایی نمودن آن روش‌های هدفمندی را در عرصه نظام آموزشی و فرهنگی تدارک دیده‌اند.

علی‌رغم آن چه که از سوی این کشورها و اندیشمندان و برنامه‌ریزان اقتصادی آنان صورت گرفته، مشاهده می‌شود که اسلام از ابتدای نزول، دغدغه این موضوع را داشته و آموزه‌های حیات‌بخش آن مشحون از احکام و دستوراتی است که زندگی سعادت‌مندانه‌ای را نوید می‌دهد و بخش وسیعی از این آموزه‌ها، پیرامون زندگی معیشتی و اقتصادی بوده و از اخلاق اقتصادی فردی مانند: مزین شدن به زینت قناعت، زهد و سخاوت تا آداب کسب و کار و تعاملات اقتصادی با دیگران در قالب احکام اقتصادی سخن گفته و زمینه رشد و تکامل انسانی را فراهم آورده است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت انسان به سوی زندگی حقیقی و حیات واقعی سعادت‌مندانه، سرشار از آیاتی است که به منظور تربیت اقتصادی انسان، راهکارهای متعددی را به مخاطب معرفی نموده است. در روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز مشهود است که آن بزرگ‌مربیان و طلابه‌داران امر تربیت، نسبت به ساحت اقتصادی بی‌توجه نبوده و سوق دادن جامعه به رشد و پیشرفت

اقتصادی مطلوب، در نظر آنان مطرح نظر بوده است. با نظر به مواردی از این دست که در آموزه‌های دینی اعم از قرآن و روایات فراوان یافت می‌شود، لازم است که این تعالیم همراه با تجربیات بشری به صورت نظام‌مندی سامان یافته و برای تربیت اقتصادی آحاد جامعه اجرایی گردد. بدین منظور پژوهش حاضر با عنایت به اینکه قرآن و روایات منابعی متقن و مورد پذیرش عموم مسلمان جهان می‌باشند و آموزه‌های آن در راستای تربیت جوامع بشر به سوی حیات طیبه نازل شده، تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد: «قرآن و روایات چه روش‌هایی رفتاری برای تربیت اقتصادی معرفی نموده‌اند؟»

آشنایی با مفاهیم تحقیق

جهت آشنایی با واژگان کاربردی در پژوهش، شایسته است با ارائه معانی لغوی و اصطلاحی آنان، زمینه فهم بهتر مخاطب فراهم گردد. در این بخش آشنایی اجمالی با مفاهیم کاربردی این پژوهش صورت می‌گیرد:

۱- روش رفتاری: در فرهنگ دهخدا واژه روش به معنای طریقه، قاعده و قانون، سبک، سنت، رسم و آیین و نهج آمده است (Dehkhoda, 1992) و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است (Kazemi, 1995). مراد از روش‌های رفتاری نحوه خاصی از کنش و تمایلات رفتاری فرد است (Salari Far & et al., 2014) که ناشی از طرز تفکر و شناخت فرد است (Sadeghian & Alizadeh, 2011).

۲- تربیت اقتصادی: به گفته راغب اصفهانی تربیت عبارت است از: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ وَهُوَ انْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (Ragheb Esfahani, 2007)؛ رب، در اصل به معنای تربیت و آن ایجاد شیء به صورت تدریجی تا حد رسیدن به کمال است و در اصطلاح به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آن‌ها است (Saif, 2008) و از اقتصاد

نیز از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده (Mostafavi) و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است (Jawhari, 1989) و در اصطلاح به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود (Aghanazari, 2012).

از مجموع تعاریف ارائه شده در رابطه با واژگان تربیت و اقتصاد می‌توان گفت تربیت اقتصادی عبارت است از: «ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبی به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند» (Sayyidi & Ahmadi, 2019) در مجموع تربیت اقتصادی؛ برنامه‌ها و اقداماتی است که برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا در می‌آیند.

روش‌های رفتاری در تربیت اقتصادی

قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) سرشار از روش‌های تربیتی می‌باشند که در ساحت اقتصادی نیازمند پیگیری و تأسی است. در ادامه این روش‌ها معرفی می‌گردند.

۱- دعوت به کار و تلاش: در فرهنگ اسلامی، کار و تلاش و فعالیت در زندگی، مورد توجه و تشویق فراوان قرار گرفته است. «کار از جمله عوامل تربیتی است که در شکل دادن شخصیت انسان بسیار مؤثر است و از جهات مختلف تربیتی در شاکله تربیتی انسان نقش دارد.» (Delshad Tehrani, 2015) در قرآن، عمل و کار به عنوان یک تعهد و تکلیف اسلامی به دو صورت مطرح گشته است: اول: به صورت عام که هرگونه حرکت و تلاش را در بر می‌گیرد؛ اعم از این که اقتصادی باشد یا عبادی یا فرهنگی یا سیاسی و... مانند آیه: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (نجم/۳۹-۴۰)؛ و اینکه انسان به جز کار و تلاشش سرمایه‌ای ندارد؟ و این که

نزد وی سعی خود را خواهد دید؟ دوم: به صورت خاص یعنی کار اقتصادی؛ در برخی آیات الهی از کار و کوشش فقط کار اقتصادی اراده شده است مانند: «وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ؛ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس/۳۴-۳۵)؛ و در آن باغ‌ها و نخل‌ها و انگورها قرار دادیم و در آن چشمه‌هایی روان کردیم؛ تا مردم از ثمره آن و

کارهای خود برخوردار شوند آیا باز هم شکرگزاری نمی‌کنند؟ قرآن کریم در سوره مدثر سرنوشت هر کس را در گرو اعمال و کردار او می‌داند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر/۳۸) قرآن ضمن دعوت به تلاش و فعالیت، به آثار اقتصادی آن و اینکه تلاش و کار موجب آبادانی زندگی مادی و به وجود آمدن لذت‌های دنیوی می‌شود، اشاره نموده، می‌فرماید: او (خداوند) کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن صید کنید و گوشت تازه بخورید و از زیورهای آن (مانند در و مرجان) استخراج کنید و بدان خود را بیاراید و کشتی‌ها را می‌بینید که سینه دریا را می‌شکافند تا شما به تجارت پردازید و از فضل خداوند بهره گیرید. (نحل/۱۴) همه این موارد بیانگر این واقعیت مهم، یعنی قوام و استواری جامعه به کسب و کار است و اینکه موفقیت و دستیابی به اهداف اقتصادی، در سایه کار و تلاش حاصل می‌گردد.

خاطر نشان می‌گردد یکی از فضایل برجسته اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز، کار و تلاش می‌باشد. عترت رسول الله (صلی الله علیه و آله) برای آبادگری خود به تلاش و کار می‌پرداختند. به عنوان نمونه امام هادی (علیه‌السلام) همانند اجداد بزرگوارشان کار می‌کردند و از دست رنج خود امرار معاش می‌نمودند. آن حضرت با این کار می‌خواستند به پیروان خود بفهمانند که کارکردن و فراهم ساختن نیازهای معیشتی خانواده، امری پسندیده و لازم است. از علی بن حمزه نقل شده است که روزی امام هادی (علیه‌السلام) را دیدم که داخل زمینی، به سختی مشغول کار بودند، در حالی که عرق از بدن و پاهایشان فرو می‌ریخت. به ایشان عرض کردم: قربانت گردم چقدر تلاش می‌کنید؟ امام فرمود: ای علی! من در مزرعه خود کار

می‌کنم و آن کسی که از من و پدرم بهتر بوده، نیز چنین تلاش می‌کرد. از ایشان پرسیدم: او چه کسی است؟ امام فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اجداد من که همه با دست خود کار می‌کردند و آن رفتار پیامبران، اوصیاء و صالحین بوده است.» (Ibn Babawayh, 1992).

رهاورد روحیه کار و تلاش در یک جامعه و یک خانواده، اقتصاد سالم و قوی آن جامعه و خانواده است، و بالعکس روحیه راحت طلبی و سستی، بیماری اقتصادی هر جامعه‌ای را سبب خواهد شد. کار نقش سازنده و تربیت‌کننده‌ای دارد و در واقع از عوامل تربیت‌کننده انسان است (Motahhari, 1992). با توجه به آن چه مطرح شد می‌توان گفت: اهمیت کار در فرهنگ اسلامی هم از جنبه‌های فردی و هم جنبه اجتماعی است. آثار فردی کار این است که هر شخص به شکوفایی استعدادهای خود می‌پردازد و از به هدر دادن وقت و انرژی خود جلوگیری نموده و از سویی دیگر در جهت تأمین نیازهای مالی خود و افراد تحت تکفل خود گام برداشته و آثار اجتماعی کار این است که جامعه می‌تواند نیازهای خود را تأمین نماید و به تربیت اقتصادی دست یافته و از سویی آبادی و تعالی جامعه را به دنبال دارد.

۲- ارائه الگو: روش الگویی روشی مطلوب فطرت آدمی است و از مؤثرترین روش‌ها در امر تربیت می‌باشد. الگو در زندگی انسان می‌تواند جهت زندگی انسان را تعریف نماید. مسائل اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشد و ارائه یک الگوی اقتصادی صحیح در جامعه می‌تواند نقش بسیار مهمی در زمینه تربیت اقتصادی ایفا نماید. الگوی مطلوب قرآن در تربیت اقتصادی، حضرت شعیب (علیه السلام) می‌باشد که همواره قوم خویش را از کم‌فروشی نهی نموده است: «وَالِی مَدَیْنَ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُمْ مِنْ إِلَهِ غَیْرِهِ قَدْ جَاءَ تَکْوِیْنُ مِنْ رَبِّکُمْ فَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَ لَا تَفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» (اعراف/۸۵)؛ و به سوی [مردم] مَدَیْن، برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست. در حقیقت، شما را از جانب پروردگارتان

برهانی روشن آمده است. پس پیمان‌ه و ترازو را تمام نهید، و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است.

«روشن است که نفوذ هر گونه خیانت و تقلب در امر معاملات پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگ‌ترین پشتوانه اقتصادی ملت‌ها است، متزلزل و ویران می‌سازد و ضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد، به همین دلیل یکی از موضوعات مهمی که شعیب روی آن انگشت گذاشت همین موضوع بود.» (Makarem Shirazi, 1995) در این آیه شعیب (علیه السلام) مردم را به رعایت دقت در سنجش با ترازو و عدم کم‌فروشی امر می‌کند و سود عادلانه و مشروع را بهتر از ثروت حاصل از کم‌فروشی می‌داند. از این رو، حضرت شعیب (علیه السلام) را می‌توان الگوی اصلاح اقتصادی و مبارزه با انحرافات و نابسامانی‌های اقتصادی دانست.

علاوه بر آیات نورانی قرآن، سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز در همه عرصه‌های زندگی، بویژه در ابعاد اقتصادی، اعم از تولید، توزیع و مصرف، الگوی کامل و قابل توجهی است که باید از آن پیروی نمود. به عنوان نمونه حضرت علی (علیه السلام) در جایگاه امامت و رهبری جامعه قرار داشتند، مردم به ایشان اقتدا می‌کردند و از اعمال وی الگوبرداری می‌کردند. از این رو حضرت با رفتار خود الگوی مطلوب اسلامی را به نمایش گذاشته و از مردم می‌خواستند که در جهت این الگوی مطلوب حرکت کنند، گرچه هرگز نمی‌توانند درست مثل او باشند. ایشان دربارهٔ طعام و لباس خود به عثمان بن حنیف چنین می‌فرمایند: «اینک امام شما از همه دنیایش به پیرهنی و ازاری و از همه طعام‌هایش به دو قرص نان اکتفا کرده است. البته شما را یارای آن نیست که چنین کنید، ولی مرا به پارسایی و مجاهدت و پاکدامنی و درستی خویش یاری دهید. به خدا سوگند از دنیای شما پاره زری نیندوخته‌ام و از همه غنائم آن مالی ذخیره نکرده‌ام. و به جای این جامه، که اینک کهنه شده است جامه‌ای دیگر آماده نساخته‌ام.» (نهج البلاغه، نامه ۴۵). امام علی (علیه السلام) در زمانی حکومت را به

دست گرفت که جامعه به علت تبعیض و نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی دچار شکاف عمیقی شده بود. از این رو امام با تدابیر اقتصادی تلاش کرد تا چهره‌ی جامعه اسلامی را از فقر و بی‌عدالتی برهاند. آن حضرت، الگوی تام و بی‌نظیری برای کسانی که زمام جامعه را در دست دارند، می‌باشد و با مراجعه به سیره ایشان می‌توان، در تربیت اقتصادی از ایشان الگوبرداری کرد.

خدا با ترسیم الگوهای قرآنی و در کنار آن انبیاء الهی و امامان معصوم (علیهم‌السلام) راه سعادت و رستگاری را باز و راه بهانه‌جویی را بسته است. اگرچه الگو قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به این معنا نیست که همه کارها و برنامه‌های جزئی و شخصی و اموری که مناسب شرایط زمانی و مکانی زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود در این زمان و در زندگی ما نیز اجرا گردد، بلکه باید خطوط کلی و مسائل اساسی و راه کارهای فکری و عملی زندگی را از آن‌ها فرا گرفت تا در مدیریت فعالیت‌های اقتصادی با تأسی و الگوبرداری از تعالیم آنان، به تربیت صحیح اقتصادی دست یافت.

۳- موعظه: روش تربیتی موعظه از روش‌های مهم و مؤثر در حوزه‌ی تربیت به حساب می‌آید. واکاوی آیات نورانی قرآن نشان می‌دهد این روش در تربیت اقتصادی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدِينَةٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (اعراف/۸۵)؛ و به‌سوی [مردم] مَدِیْنَه، برادرشان شعیب را [فرستادیم]؛ گفت «ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست. در حقیقت، شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است. پس پیمان‌ها و ترازو را تمام نهدید، و اموال مردم را کم ندهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است. بر اساس این آیه، شعیب (علیه‌السلام) حداقل چهار موعظه نسبت به قوم خود دارد که عبارتند از: عبودیت خدا، ادای حق پیمان‌ها

و وزن، عدم کم‌فروشی و پرهیز از فسادانگیزی در زمین. «پس از آن که شعیب (علیه‌السلام) مردم آن سرزمین را به توحید دعوت نمود، و از بت‌پرستی آن‌ها را نهی و منع می‌کرد، در مقام اصلاح امور مالی و انتظام زندگی آنان نیز برآمد، و به مردم توصیه می‌نمود، که در داد و ستد آنچه به وزن و یا به کیل خرید و فروش می‌نمائید، جنس را سالم و تمام به خریدار تحویل بدهید، و خیانت و کم‌فروشی و غش در معامله ننمائید.» (Hosseini Hamedani, 1983).

همچنین خداوند در بخشی از آیات سوره شعراء به برخی موعظه‌های شعیب (علیه‌السلام) نسبت به قومش اشاره می‌کند و از قول این رسول بزرگوار می‌فرماید: «پیمان‌ها را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. و با ترازوی درست بسنجید. و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد برمدارید. و از آن کس که شما و خلق [انبوه] گذشته را آفریده است پروا کنید.» (شعراء/۱۸۱-۱۸۴) از مضمون این آیات به خوبی برمی‌آید که -اصحاب‌الایکه- هرگاه چیزی را به وسیله کیل و پیمان‌ها می‌فروختند کیل و پیمان‌ها را کاملاً پر و مملو نمی‌کردند و چه خرید و چه فروش آنان هر دو به ضرر و خسارت طرف مقابل تمام می‌شد. و چون اینطور بودند، لذا حضرت شعیب (علیه‌السلام) با استفاده از روش موعظه به آنان می‌فرماید: کیل و پیمان‌ها را کامل و تمام پردازید و به نحوی خرید و فروش کنید که موجب خسارت طرف مقابل نباشید (Najafi Khomeini, 1979).

این روش، در منابع حدیثی نیز مطمح نظر بوده است. به عنوان مثال پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از این روش استفاده نموده و به تاجران توصیه می‌کند: هر کس خرید و فروش می‌کند، لازم است که از پنج عمل خودداری نماید و گرنه داد و ستد را رها نماید. آن پنج عمل عبارت است از ۱. ربا ۲. قسم خوردن ۳. پنهان نمودن عیب کالا ۴. تعریف کالا هنگام فروش ۵. مدّمت و عیب‌گیری از کالا هنگام خریدن (Tusi, 1969). قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، این روش را از روش‌های اصلی برنامه تربیتی خویش قرار داده و در موقعیت و مناسبتی، به موعظه مؤمنان و حق‌طلبان پرداخته‌اند. خاطرنشان می‌گردد هر کس در هر مقامی که باشد محتاج شنیدن موعظه و نصیحت

است؛ چرا که اگر نسبت به آنچه می‌شنود دانا باشد، آن موعظه برایش تذکر؛ یعنی یادآوری است؛ چون انسان فراموش کار است و همیشه محتاج به یادآوری است و اگر جاهل باشد، اندرز برایش دانش و کسب معرفت است. از این روی در فعالیت‌های اقتصادی نیز به دلیل آسیب‌های محتمل اقتصادی، می‌توان با استفاده از روش موعظه آسیب‌ها را مرتفع و زمینه برای دستیابی به تربیت صحیح اقتصادی برای افراد و یا جامعه فراهم کرد.

۴- دعوت به قناعت: از دیگر روش‌های مورد توصیه قرآن و روایات به منظور تربیت اقتصادی، قناعت ورزیدن در امور زندگی می‌باشد. واژه «قناعت» مفهومی اخلاقی است و از نظر لغت در منابع واژه‌شناسی، به معنایی چون بسنده کردن به مقدار نیاز، رضایت نفس به آن چه از روزی و معاش در اختیار دارد (Dehkhoda, 1992). قناعت در در روند تربیت اقتصادی تأثیر بسزایی دارد. از همین روی گفته شده: «غایة الاقتصاد القناعة»؛ غایت اقتصاد قناعت است، «اقتصاد» به معنی میانه‌روی است در معاش بر وجهی که نه بخل باشد و نه اسراف، و مراد این است که غرض از اقتصاد که امر به آن شده این است که آدمی قانع شود به داده‌ی حق تعالی و آن چه نصیب و بهره‌ی او کرده و خود را به تعب و زحمت از برای طلب زیاد از آن نیندازد (Khansari, 1987). خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱)؛ ای فرزندان آدم، در وقت هر نماز و در هر مسجدی آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) بگیرید، و از (همه خوراکی‌های حلال خداوند) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، که او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. پس انسان می‌تواند بهترین زینت‌ها و آرایه‌ها را برای خود و خانه برگزیند و خود و خانه را بیاراید، ولی در هر کاری اسراف و تبذیر نکند و افراط و تفریط نداشته باشد. در آیات اقتصادی قرآن مشاهده می‌شود که خداوند دستوراتی در رابطه با قناعت داده و این امر بیانگر اهمیت پایبندی به این روش در راستای تربیت اقتصادی می‌باشد. از جمله در قرآن خطاب به نبی مکرم اسلام آمده: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا

بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَادْخُلُوا فِي صَفْوَىٰ صَفْوَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (حجر/۸۸)؛ و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. در تفسیر این آیه گفته شده منظور خداوند آن است که ای پیامبر، به آنچه از نعمت‌ها که به گروه‌هایی از مشرکان داده‌ایم چشم مدوز؛ مانند چشم دوختن انسان به چیزی که میل فراوانی به آن دارد و آرزوی آن را در خود می‌پروراند، و با نعمتی که بر تو عطا شده از هر نعمت دیگر هر چند بزرگ باشد خود را بی‌نیاز دان (Tabarsi, 1998) و این همان دعوت به قناعت است.

آنچه از نظر اقتصادی در زندگی آدمی بهترین مقتضی رشد و تعالی و تربیت حقیقی است، غنای کفافی است؛ یعنی تأمین همه نیازهای اساسی آدمی شامل خوراک، پوشاک، نوشاک، مسکن، مرکب، تزویج و جز این‌ها به طور معقول و معتدل به گونه‌ای که افراد زندگی آبرومند و متناسب داشته باشند و این تأمین همه جانبه و توأم با قناعت و مناعت، امنیت و رفاهت و کرامت لازم برای شکوفایی فطرت آدمی و تربیت حقیقی او را فراهم نماید. در این صورت است که انسان و جامعه انسانی به بستر زندگی متعالی دست می‌یابد. دیدگاه امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در این باره کاملاً گویاست، چنان که فرموده: «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا. [وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَلَنَحْنِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» فَقَالَ:] هِيَ الْقَنَاعَةُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹)؛ قناعت دولتمندی را پس و خوی نیک نعمتی بود در دسترس. [و حضرتش را از معنی «فَلَنَحْنِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (هر آینه او را به زندگی پاک و خوش زنده داریم) پرسیدند، فرمود: آن قناعت است.

آشکار است انسان فطرتاً دارای امیال و خواسته‌های بی‌شماری می‌باشد و همواره در حال جمع‌آوری زرو زیورهای دنیوی در جهت رسیدن به آرامش و آسایش هر چه بیشتر است. اساساً بستر چنین خواستگامی تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری، طمع و بسیاری از صفات ناپسند دیگر می‌باشد که اگر در شرایطی که جامعه اسلامی با

مشکلات و تحریم‌های بسیاری مقابله می‌کند؛ عامل بازدارنده‌ای انسان را به مسیر اصلی حرکت؛ یعنی آرامش سوق ندهد؛ صدمات و خسارت جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌شود. الگوی صحیح و بهینه‌ی مصرف همواره مورد تأکید قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده که در این بین آراسته شدن به صفت قناعت نقش مهمی را ایفا می‌کند و در جهت تربیت اقتصادی به عنوان یک روش تربیتی معرفی می‌گردد.

۵- برنامه‌ریزی درست: از شیوه‌های مورد توصیه قرآن و روایات در تربیت اقتصادی، تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح در فعالیت‌ها و امور اقتصادی است که غالباً با عنوان «تقدیر معیشت» مطرح می‌گردد. روشن است که نبود تدابیر لازم در تخصیص درآمد و مصرف، اتلاف سرمایه‌های مادی و هدر رفتن نیروهای انسانی را موجب می‌شود و دستیابی به رفاه و آسایش را دشوار یا ناممکن می‌سازد. اهمیت این موضوع در بُعد اقتصادی و به تبع آن در دیگر ابعاد زندگی تا آنجاست که در روایات، از آن به عنوان «نیمی از ابزار تأمین زندگی» یاد شده: «التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ» (Ibn Shu'bah, 2003)؛ برنامه‌ریزی نیمی از زندگی است.

در کلام نورانی قرآن نیز مشاهده می‌شود که حضرت یوسف (علیه‌السلام) با پیش‌بینی صحیح بحران اقتصادی خشکسالی و تدبیر صحیحی که برای مقابله با آن به کار بردند، این راهبرد را تعلیم دادند که برنامه‌ریزی بلند مدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه مدیریت کشور در عرصه تربیت اقتصادی است (Makarem, 1995). آن حضرت برای مقابله با بحران اقتصادی، طرح‌های درازمدت و کوتاه‌مدت ارائه کرد؛ به این صورت که برای کوتاه‌مدت برنامه اقتصادی تولید بیشتر مد نظر قرار گرفت و برای هفت سال بعد، برنامه‌ای دراز مدت ارائه کرد که بر کنترل مصرف و به میزان جیره‌بندی مبتنی بود: «گفت: هفت سال پی در پی می‌کارید، و آنچه را درویدید- جز اندکی را که می‌خورید- در خوشه‌اش واگذارید. آن گاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید- جز اندکی را که ذخیره می‌کنید-

همه را خواهند خورد.» (یوسف/۴۷-۴۸) بر اساس این آیات، آن حضرت در زمان بحران جامعه مصر، با برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق، به سازماندهی امور به منظور تأمین منابع اقتصادی در شرایط سخت و خشک‌سالی اقدام نمود و امنیت غذایی، رشد و شکوفایی را برای مردم مصر به ارمغان آورد (Hosseini, 2021). این امر بیانگر آن است که آن حضرت، برنامه‌ریزی صحیح داشته تا اقتصاد جامعه آن روز دچار آسیب نگردد و به این ترتیب شیوه‌ای برای تربیت اقتصادی معرفی نمود.

۶- پرهیز از اسراف و تبذیر: طبق متون دینی اسراف و تبذیر مهم‌ترین مصداق تجاوز از حد است و حرمت آن نوعی قاعده تحدیدی است تا انسان از حد معقول و مقبول خارج نشود. تحریم اسراف موجب می‌شود که مصرف یک جامعه اسلامی در حد اعتدال باقی بماند، مردم در حد ضرورت مصرف کنند، اضافه بر آن را پس انداز کنند و به سرمایه‌گذاری و یا انجام مصارف مستحب (صدقه، انفاق و...) که به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند، اختصاص دهند. رهنمود کلی قرآن مجید در این مورد چنین است: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ» (شعراء/۱۵۱-۱۵۲)؛ و فرمان افراط‌گران را پیروی مکنید. آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. اسلام با تحریم اسراف و تبذیر، و منع از کنز و تشویق به انفاق، بعضی از راه‌های جلوگیری از ایجاد فاصله عمیق سطح زندگی میان افراد جامعه را نشان داده است تا این افراد مازاد هزینه زندگی خود را به دیگران دهند و بدین وسیله از سطح زندگی خود کاسته، به سطح زندگی فقرا بیفزایند. نگاهی گذرا به اسراف کاری‌های عده‌ای مترف و خوش‌گذران، نشان می‌دهد که با پرهیز از آن، می‌توان انسان‌های گرسنه و برهنه زیادی را سیر کرد و پوشاند و به جای ساختمان‌های سر به فلک کشیده و متعدد و مجهز، چه بسیار بی‌خانه‌هایی را خانه داد تا آن‌ها را از گرما و سرما حفظ کند، در حالی که ممکن است صاحبان آن کاخ‌ها و قصرها، به بیش از یک صدم یا یک هزارم آن‌ها نیاز نداشته باشند.

اصولاً نگاه قرآن به مسأله اقتصادی نگاهی در راستای بهره‌وری مناسب و درست از امکانات و وسایلی است که خداوند در اختیار بشر به طور مستقیم و یا با تولید و کار قرار داده است. از این رو از مردم می‌خواهد که هر چیزی را درست و به شکل مناسب آن مورد استفاده قرار داده و از اسراف و تبذیر آن خودداری ورزند. آیه ۱۴۱ سوره انعام به مسأله اعتدال در مصرف اشاره دارد که همان معنای صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف در اقتصاد امروز جهان است. خداوند در این آیه اعتدال در مصرف و دوری از اسراف و تبذیر را اصلی مهم در هزینه کرد اموال اقتصادی برشمرده و در آیه ۳۱ سوره اعراف و نیز ۲۶ سوره اسراء و همچنین ۶۷ سوره فرقان بر آن تأکید می‌ورزد. در روایات زیادی نیز به مناسبت‌های مختلف، سخن از اسراف به میان آمده و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) از آن نهی و مذمت فرموده‌اند. پرهیز از اسراف به عنوان یکی از شیوه‌های تربیت اقتصادی در رفتار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تجلی یافته است. به عنوان نمونه امام می‌فرماید: «فَدَعَ الْأِسْرَافَ مُقْتَصِدًا» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۱)؛ پس، با در پیش گرفتن میانه‌روی، گراف‌کاری و گراف‌خرجی را واگذارد. و نیز: «ذَرِ الْأِسْرَافَ مُقْتَصِدًا» (Laithi, 1997)؛ با در پیش گرفتن میانه‌روی، گراف‌خرجی را رها کن. در آموزه‌های علوی، در جهت سامان‌دهی فرهنگ نفی اسراف، تبذیر، نکاتی در شناخت کارکرد این پدیده‌های مخرب وارد شده است، به گونه‌ای که اگر به این کارکردهای تباه، توجه شود، هر خردمندی به جدّ از اسراف پرهیز می‌نماید و خود را بدان آلوده نمی‌سازد.

از مجموع آیات و روایات در بحث اسراف و تبذیر، چنین استنباط می‌شود که این دو از آسیب‌ها و مشکلات مهم اجتماع بشری محسوب می‌شوند که مشکلات اقتصادی فراوانی به دنبال دارند که در نهایت موجب تربیت فردی غیراقتصادی می‌شوند و مصالح جامعه در معرض خطر قرار می‌گیرد. لذا بر هر فردی لازم است که هم در زندگی شخصی خود مواظبت کند تا دچار اسراف و تبذیر نشود و هم در سطح اجتماع نسبت به این عمل حساس بوده و مانع ریخت

وپاش و هدر رفتن نعمت‌های خداوند شود و به این ترتیب موجب نیل به تربیت صحیح اقتصادی چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی گردد.

۷- کنترل مصرف: از دیگر روش‌های تربیت اقتصادی در حوزه رفتار، کنترل مصرف می‌باشد که در قرآن و روایات بدان اشاره شده است. «بدیهی است اگر بنا باشد بر اساس فرهنگ اقتصادی سرمایه‌داری بر طبل مصرف‌گرایی کوبیده شود و از حاکمیت مطلق خواسته‌ها و امیال انسان سخن به میان آید، تولیدات یک کشور هم نمی‌تواند پاسخ‌گوی اشتهای سیری‌ناپذیر حتی یک گروه باشد تا چه رسد به همه افراد جامعه؛ این جاست که باید اهرم‌هایی را برای کنترل و هدایت مصرف تعریف کرد و توازنی میان مصرف و تولید برقرار ساخت.» (Makarem Shirazi, 2006). حضرت یوسف (علیه‌السلام) در دوران وزارت و خزانه داری خود، سعی کرد در آن هفت سال فراوانی نعمت بر مصرف به شدت کنترل کند: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَعَةٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يَغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعْرِضُونَ» (یوسف ۴۷-۴۹)؛ گفت: «هفت سال پی در پی می‌کارید، و آنچه را درویدید- جز اندکی را که می‌خورید- در خوشه‌اش واگذارید. آن گاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید- جز اندکی را که ذخیره می‌کنید- همه را خواهند خورد. آن گاه پس از آن، سالی فرا می‌رسد که به مردم در آن [سال] باران می‌رسد و در آن آب میوه می‌گیرند.»

آن حضرت با تدبیر خاصی برای پایان دادن استثمار طبقاتی و فاصله میان قشرهای مردم مصر، از سال‌های قحطی استفاده مطلوب نمود. توضیح آن که: حضرت در هفت سال فراوانی نعمت سعی کرد مصرف را به شدت کنترل نماید و از این طریق بخش زیادی از تولیدات کشاورزی را برای سالهای قحطی که در پیش بود، ذخیره کند. با استفاده از مهارت و تدبیر ویژه در سال‌های مختلف قحطی، مواد غذایی را در مقابل درهم و دینار، جواهرات، چهارپایان، غلامان

و کنیزان، خانه‌ها، مزارع و آب‌ها فروخت. سپس تمام آن‌ها را به صورت عادلانه‌ای به آن‌ها بازگرداند؛ چرا که هدفش رهایی بخشیدن مردم مصر از بلا و نابسامانی بود. تدبیر اقتصادی حضرت یوسف (علیه‌السلام) در مصرف نشان داد که یک اقتصاد پویا باید علاوه بر توجه به زمان حال، آینده و حتی نسل‌های بعد را در نظر بگیرد. و از انصاف به دور است که انسان تنها به فکر منافع امروز خویش باشد و منابع موجود زمین را غارت نماید و توجهی به آیندگان نداشته باشد و اینکه آن‌ها در چه شرایطی زندگی خواهند کرد. عقل و منطق حکم می‌کند که باید بر مصرف منابع فعلی کنترل و نظارت صورت پذیرد تا در حق آیندگان ظلمی رخ ندهد (Jamali, 2006).

امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز تلاش می‌کردند تا از طریق آموزش و تعالیم اسلامی، برای مسلمانان حدود و دامنه‌ی رفتارهای اقتصادی، به خصوص مصرف را مشخص کنند. این در حالی است که آنان برای کار و تلاش و فعالیت‌های اقتصادی تا مرز جاهد در راه خدا ارزش قائل بودند (Majlesi, 1982) و افراد را به کار و تلاش دائمی فرا می‌خواندند. اما در عین حال بر کفاف در مصرف تأکید داشتند تا مصارف اقتصادی را کنترل نمایند: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا» (Kulayni, 1986)؛ خوشا به حال کسی که اسلام آورده و معاش او کفاف او کند.

حد مطلوب مصرف از نظر اسلام آن است که افراد جامعه در زندگی شخصی و اجتماعی خود به حد کفاف بسنده کنند. اسلام بر خلاف نظام سرمایه‌داری که برای به حداکثر رسیدن سود و مطلوبیت افراد، تولید و مصرف را کاملاً آزاد می‌داند، به منظور حفظ مصالح فرد و جامعه، برای تولید و همین‌طور مصرف، حدود و موازینی قرار داده و مصارف اقتصادی را تحت کنترل قرار داده است. شریعت اسلام بیشتر از طریق وضع قوانین شرعی و تعیین مصارف حرام و مکروه، از درون به کنترل و هدایت مصرف، اهتمام می‌ورزد.

۸- رعایت میانه‌روی: به منظور دستیابی به تربیت اقتصادی، قرآن کریم در بیانی استوار، بر رعایت میانه‌روی در هزینه‌های زندگی و پرهیز از زیاده‌روی و سخت‌گیری تأکید فرموده: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا

لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)؛ و کسانی که هر گاه اتفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. بر اساس این آیه «از جمله خصال و فضائل خلقی اهل ایمان آن است که در هزینه زندگی پیوسته میانه‌روی و صرفه‌جویی را رعایت می‌نمایند و هرگز اسراف و زیاده‌روی در انفاق و بذل مال چه برای رفع نیازهای خود و یا درباره دیگران نمی‌نمایند و هم‌چنین از امساک مال بی‌مورد و از رذیله آز و حرص در جمع مال پرهیز می‌نمایند و طریقه اقتصاد و رعایت همه جانبه را در بذل مال در نظر می‌گیرند.» (Hosseini Hamedani, 1983) تعالیم قرآن در هر برنامه‌ای طرفدار تعدیل و میانه‌روی است و پیروان خود را از افراط و تفریط باز می‌دارد. در اقتصاد و امور مالی نیز این شیوه را به کار می‌برد و امت اسلامی را به تعدیل ثروت و میانه‌روی در معیشت توصیه می‌کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز به عنوان بنیان‌گذار مکتب اسلام و معمار سبک زندگی اسلامی می‌فرماید: «الْاِقْتِصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ» (Muttaqi Hindi, 1988)؛ میانه‌روی در خرج، نیمی از معیشت است. در تحف‌العقول نیز روایتی است که «مَنْ اِقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَمَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ» (Ibn Shu'bah Harrani, 2003)؛ هر که در زندگی‌اش میانه‌روی داشته باشد، خداوند او را بهره‌مند می‌سازد و هر که تلف و ولخرجی کند، خداوند او را محروم می‌سازد. پس میانه‌روی در معیشت، نه تنها از هرز رفتن ثروت جلوگیری می‌کند که برکتی مضاعف نصیب انسان می‌نماید. بر اساس آن چه که در این روایات نقل شده، می‌توان اذعان داشت قرآن و روایات حتی در امور معیشتی انسان، اعتدال را ضروری می‌دانند. از منظر اسلام تمام معاملات در فعالیت‌های اقتصادی باید بر اساس میانه‌روی انجام شود و مقررات آن به گونه‌ای باشد که با سایر آموزه‌های دینی، مناسب و شایسته جامعه اسلامی باشد. اقتصاد اسلامی برخاسته از نظام ارزشی خاصی است که از وحی سرچشمه گرفته و معیار اصلی و محور اساسی آن را اعتدال و عدالت تشکیل می‌دهد.

بنابراین مورد انتظار خداوند است که انسان‌ها اعتدال گرایی را در معاملات پیشه کنند.

۹- ترویج روحیه خودکفایی: یکی از شیوه‌های تربیت اقتصادی در آموزه‌های قرآنی و روایی، ترویج روحیه خودکفایی می‌باشد. مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تولید کند و در کالاهای اساسی به طور خاص، وابسته به بیگانگان نباشد. البته خودکفایی و استقلال اقتصادی، مستلزم توانمندی کمی و کیفی در تولید است؛ چرا که بسنده کردن به تولیدات اندک یا نامطلوب داخلی، نمی‌تواند اقتدار ملی را به ارمغان آورد (Akbari Dehziri, 2012).

خداوند در آیات قرآنی بر استقلال همه‌جانبه امت اسلام از جوامع دیگر تأکید می‌کند. برخی از آیات به صراحت هر گونه وابستگی به ویژه در حوزه اقتصادی را مردود شمرده و از مسلمانان خواسته تا به گونه‌ای اقتصاد جامعه را بنیان گذاشته و استوار سازند که نیازی به بیگانگان وجود نداشته باشد؛ زیرا اقتصاد، قوام جامعه است (نساء/ ۵) و همانند ستون میانی خیمه عمل می‌کند. پس اگر اقتصاد خودکفا و مستقل وجود نداشته باشد، جامعه فاقد ستون اصلی و میانی خواهد بود و توان ایستادگی و مقاومت نخواهد داشت. بر این اساس، در راستای احیای تربیت اقتصادی، باید مستقل عمل نمود و از وابستگی به دیگران پرهیز شود و به تعبیری خودکفا بود. خداوند متعال با تمثیلی در آیه ۲۹ سوره فتح وضعیت مسلمانی و جامعه اسلامی را همانند گیاهی دانسته که بر ساق خود استوار است و به جایی تکیه ندارد. خداوند می‌فرماید: «محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیرند و با یکدیگر مهربان؛ آنان را می‌بینی که رکوع می‌کنند، به سجده می‌آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند، نشان‌شان اثر سجده‌ای است که بر چهره آن‌هاست، این است وصفشان در تورات و در انجیل، که چون کشته‌ای هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و بر پاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد، خدا از میان آن‌ها کسانی

را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، به آموزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.»

سپس در دنباله آیه می‌افزاید: این اوصاف عالی، این نمو و رشد سریع و این حرکت پر برکت، به همان اندازه که دوستان را به شوق و نشاط می‌آورد، سبب خشم کفار می‌شود. در این آیه به صراحت با عباراتی چون «فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح/ ۲۹) از جامعه اسلامی خواسته شده تا به عنوان آئین مسلمانی به استقلال و خودکفایی برسند. لذا، از آئین مسلمانی یکی این است که جامعه و امت اسلامی باید خودکفا، مستحکم و مستقل باشد و روی پای خود بایستد و هیچ نیازی به دشمنان نداشته باشد، بلکه باید چنان در حالت سرزندگی و جوانی و کوشش و تلاش و رشد و نمو باشد و از همه جهات مستقل و خودکفا که دشمنان را به خشم آورد و موجبات نومیدی آنان را فراهم آورد؛ به طوری که اگر تحریم کردند نه تنها اندوهگین نشود، بلکه آن را عاملی برای افزایش قدرت و رشد و شکوفایی خود بداند و گمان نبرد که با تحریم اقتصادی، اقتصادش فرو می‌پاشد و جامعه بی‌ستون قوام بخشی به نام اقتصاد خواهد ماند.

در حدیثی از امام رضا (علیه‌السلام) نیز آمده: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِيهِ عِيَالُهُ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (Kulayni, 1986)؛ کسی که دنبال فعالیت اقتصادی است تا درآمدی کسب کند و به وسیله آن درآمد زندگی خود و عیال و کسانی که تحت تکفل او هستند را تأمین کند، ارزش و پاداش کار این انسان از کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، بالاتر است. امام تعبیر می‌کند: «مَا يَكْفِيهِ عِيَالُهُ»؛ یعنی خودکفایی و روی پای خود ایستادن و استقلال اقتصادی داشتن و تلاشی که بر مبنای تکیه بر نیروی خویش و بدون دخالت دیگران برای اداره معیشت زندگی باشد و از نگاه تعالیم دینی ارزشمند است. امثال این حدیث نیز فراوان است. با این که مجاهدان در راه خدا، از نظر قرآن و اسلام آن همه مقام و فضیلت دارند، اما چنین افرادی را که می‌خواهند آبرومند زندگی کنند و سربار این و آن نباشند این همه مدح و تمجید

نموده‌اند. با عنایت به این همه تأکید در آیات و روایات می‌توان چنین برداشت کرد که ترویج روحیه خودکفایی بویژه در سطح کلان و جامعه به عنوان یک روش رفتاری در تربیت اقتصادی کارا و مؤثر خواهد بود.

۱۰- امر به معروف و نهی از منکر: از دیگر روش‌های رفتاری تربیت اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر است. «امر به معروف و نهی از منکر، نقش ارزنده‌ای در اجرای اعمال و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش‌ها و ریشه‌کنی مفاسد اقتصادی محسوب می‌شود؛ تجربه نشان می‌دهد که در طول تاریخ پر نشیب و فراز اسلام، هر گاه مسلمانان نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کردند و یکدیگر را به اعمال شایسته دعوت نموده، از بدی‌ها باز می‌داشتند، دیگر دستورات الهی نیز ارزش واقعی خود را در متن جامعه پیدا می‌کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می‌نمود.» (Soroush & Moghaddas Nia, 2008) در قرآن پیرو داستان قوم حضرت شعیب (علیه‌السلام) این روش تربیتی نمود دارد. شعیب در جامعه‌ای به سر می‌برد که به لحاظ قرار گرفتن در مسیر کاروان‌های تجاری حجاز، شام و مناطق دیگر از رونق و شکوفایی اقتصادی بهره‌مند بود، اما در اثر خودخواهی و تکاثرطلبی، آفت‌هایی گریبان‌گیر آن‌ها شده بود، مانند: کم‌فروشی و انواع غش در معامله. شعیب خود را موظف به اصلاح این امور می‌داند، از این رو همواره پس از دعوت به توحید از این گونه ناهنجاری‌ها و تخلفات با بیان‌های متنوع امر به معروف و نهی از منکر می‌کند: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ * وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء/ ۱۸۱-۱۸۳)؛ پیمانانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. و با ترازوی درست بسنجید. و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد برمدارید. شرایط خاص جامعه شعیب ایجاب می‌نمود که وی دعوت خود را عمدتاً با نهی‌های مکرر اظهار نماید و جامعه را از آفات و کژی‌ها پاک‌سازی کند. نهی از تقلب و غش در معامله: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (هود/ ۸۵)؛ و در زمین به فساد سر برمدارید، نهی از ادا نکردن حق پیمانانه و ترازو: «وَّ

لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ» (همان/ ۸۴)؛ و پیمانانه و ترازو را کم نکنید. در این جمله به مفهوم نهی (و لا تنقصوا المکیال) تصریح شده است تا هم تأکید باشد و هم این توهم که مقصود از نهی از نقص امر به زیادی دادن است مرتفع شود (Gonabadi, 1987)؛ به نظر می‌رسد که هر چند مطلب مربوط به پیمانانه و ترازو در این آیات دو بار آمده ولی تکراری نیست، بلکه بار اول از کوچک کردن پیمانانه و سنگ ترازو از حدی که معمول و مرسوم بود نهی می‌کند و بار دوم از اینکه با همان پیمانانه‌ها و ترازوهای معمولی جنس را کمتر و سرخالی یا سبک بدهند، نهی می‌کند. البته عکس این‌ها هم در موقع خریدن جنس مورد نهی بود؛ یعنی با پیمانانه و سنگی بزرگ‌تر از معمول و یا سنگین‌تر و برتر از معمول بخرند. بنابراین، چهار نوع انحراف وجود داشته است. پس از نهی از این انحراف، بطور کلی آن قوم را اندرز می‌دهد که حقوق مردم را کم نکنند که شامل آن چهار نوع انحراف می‌شود. آنگاه از این کار به عنوان فساد در زمین یاد می‌کند (Jafari).

در سیره معصومین (علیهم‌السلام) نیز موارد زیادی از امر به رونق تولید و نهی از اختلال در نظام تولیدی جامعه اسلامی می‌توان مشاهده کرد. از جمله که امام حسین (علیه‌السلام) مشغول موعظه سپاهیان یزید بود، آنان برای آن که صدای حضرت شنیده نشود، سر و صدا می‌کردند. در این هنگام حضرت در تحلیلی جامع به ریشه‌های اقتصادی عناد و کینه‌توزی لشکر یزید پرداختند و از منکرهای اقتصادی و کارکرد آن‌ها در دشمنی سیاسی و اعتقادی با مصلحان اجتماعی سخن گفتند. ایشان فرمودند: اینکه شما هلهله می‌کنید و نمی‌گذارید صدای امام به جمعیت برسد به خاطر لقمه‌های حرامی است که خوردید. در این جا امام حسین هم اقدام به نهی از منکر اقتصادی می‌کند و هم به تجزیه و تحلیل کارکرد اقتصاد در رفتار سیاسی دشمنانش می‌پردازد. ایشان در ضمن تحلیل از آثار سوء لقمه حرام، مردم را از گرفتار شدن در مفاسد اقتصادی و کسب مال حرام بر حذر می‌دارند: «هنگامی که عمر بن سعد سپاهیان خود را برای جنگ با امام حسین (علیه‌السلام) آماده کرد و از هر سو آن حضرت

را محاصره کردند؛ امام به سوی دشمن آمده و آن‌ها را به سکوت دعوت کردند. امام جماعت خاموش نشدند. حضرت خطاب به ایشان فرمود: وای بر شما! شما را چه زیان که به من گوش دهید و گفتار مرا که به راه راست فرا می‌خوانم بشنوید... همه شما از من نافرمانی می‌کنید و به سخنان من گوش نمی‌دهید؛ زیرا شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر {غفلت} خورده است.» (Majlesi, 1982)

با نظر به آن چه در آیات و روایات آمده، می‌توان گفت: از دیدگاه اسلام، سرنوشت فرد و جامعه از هم جدا نیست و صلاح و فساد هر یک، بر دیگری اثرگذار است. از این رو، همگان موظفند هم به وظایف خویش عمل کنند و هم در قبال کارها و سرنوشت دیگران خویش را مسئول بدانند. این روش در فعالیت‌های اقتصادی نیز حائز اهمیت بوده و بر روند تربیتی افراد و جوامع اثرگذار خواهد بود.

۱۱- تذکر و یادآوری: تذکر، روشی برگرفته از قرآن است که عبارت است از گفتار یا رفتاری که از مربی سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه از یاد برده و یا از آن غفلت کرده و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم است، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آن‌ها برانگیزد. «روش تذکر، روشی نیکوست که در توجه دادن انسان به حقیقت وجود و سیر دادن او در صراط هدایت و اطاعت و عبودیت و دور کردن وی از پستی و کجی.» (Delshad, 2006)؛ نتیجه این روش، هوشیار شدن و متذکر شدن مرتبی و ایجاد نوعی بیداری برای طی مسیر هدایت در اوست. در تربیت اقتصادی نیز این روش قابل استفاده می‌باشد. از این رو حضرت شعیب (علیه السلام) در دعوت قوم خود، نعمت‌های الهی ارزانی شده بر آنان را یادآوری می‌کرد: «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ اذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ وَ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/۸۶)؛ و بر سر هر راهی منشینید که [مردم را] بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، پس شما را بسیار گردانید، و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است.

آن حضرت در اینجا دو چیز را تذکر و یادآوری کرده است: یکی نعمت خدا که آن‌ها را کثرت نسل داده و عددها را زیاد کرده است، زیاد شدن متناسب نفوس، باعث تقویت قوم و تسهیل کارهاست. دوم تهدید کرده که به بینید عاقبت قوم نوح و هود و صالح و غیره که مفسد بودند چه شد (Qarashi, 1998). آن حضرت همچنین در آیه ۸۴ سوره هود و در پی نهی از کم فروشی، به نعمت‌هایی چون حاصل‌خیزی سرزمین، ارزانی، ثروت و روزی فراوان اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که با وجود چنین شرایط مساعدی، دیگر نیازی به کم فروشی و انباشت ثروت از راه نامشروع نیست: «و به سوی [اهل] مَدَیْنُ، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. و پیمان‌ه و ترازو را کم مکنید. به راستی شما را در نعمت می‌بینم. و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم.» (هود/۸۴)

شعیب (علیه السلام) طبق معمول همه پیامبران، آغاز سخن او درباره توحید بود و مردم را به سوی یکتاپرستی دعوت نمود و به آن‌ها یادآور شد که جز الله معبودی برای آن‌ها وجود ندارد و اینکه آن‌ها بت‌ها را شریک خدا قرار می‌دهند، در گمراهی هستند. مطلب دومی که شعیب آن را مطرح کرد این بود که در داد و ستدهای خود پیمان‌ه و ترازو را کم ندهند. معلوم می‌شود که مردم مدین دچار این انحراف اقتصادی بودند که به هنگام خرید و فروش کالاها، کم فروشی می‌کردند. شعیب آن‌ها را از این کار نهی کرد و تذکر داد که من شما را در برخورداری و وفور نعمت می‌بینم و این اشاره به این حقیقت بود که اگر از این گناه دست برندارند، خداوند نعمت خود را از آن‌ها می‌گیرد (Jafari).

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) مشاهده می‌شود که آن بزرگواران همواره با دغدغه تربیت و هدایت مردم هم عصر خویش، از روش تذکر بهره برده‌اند و همواره در امور و فعالیت‌های اقتصادی مواردی را یادآوری می‌نمودند. از جمله امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه‌ای به حارث همدانی فرمودند: «اِسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ وَ لَا تُضَيِّعْ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَ لِيُرْ عَلَيْكَ اَثَرُ مَا اَنْعَمَ اللَّهُ

به عَلِیکَ» (نهج البلاغه، نامه ۶۹)؛ هر نعمتی که به تو داد، نیکو دار و هیچ نعمتی از نعمت‌ها را ضایع و تباه مساز و باید اثر نعمت‌هایی که خدا به تو داده در تو دیده شود. بدیهی است انسان در اثر افزایش اشتغالات ذهنی و رفتاری، دچار غفلت و فراموشی می‌گردد. از این رو، برای هموار ساختن مسیر تربیت بویژه در امور اقتصادی، باید با یادآوری اموری که پیش‌تر آن‌ها را می‌دانست، از او غفلت‌زدایی شود و از روش تذکر و یادآوری بهره‌مند شد. نتیجه این روش، هوشیار شدن و متذکر شدن متربی و ایجاد نوعی بیداری برای طی مسیر هدایت در اوست. البته در مورد برخی مفاسد و آسیب‌های تربیت اقتصادی نباید تنها به تذکر اکتفا شود، بلکه برای جلوگیری از تکرار آن خطا و عمل ناشایست، باید با قاطعیت بیشتر و از روش‌های دیگر تربیتی استمداد جست.

۱۲- برخورد قاطع: هر چند در امر تربیت، ارشاد و تعلیم، اخلاق نیکو، محبت، سعه صدر، نرمش و مدارا همگی اموری لازم و ضروری به نظر می‌رسند، اما در برخی موارد است که به دلیل نوع انحراف و عظمت قبح و زشتی آن، نرمش و مدارایی اثر است و باید شدت عمل به خرج داد و با برخوردی انقلابی جلوی فساد را گرفت. (Mohammad Qasemi, 2010). بررسی آیات قرآن بیانگر آن است که در برخی موارد لازم است با مفسدان اقتصادی برخورد شود تا تربیت آنان به درستی شکل گیرد. قرآن در آیات متعدد، برخورد قاطع و چاره‌اندیشانه پیامبران را با مظاهر اسراف و تبذیر گزارش می‌کند. از جمله در سوره شعراء می‌فرماید: «آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می‌کنند؟ در باغ‌ها و در کنار چشمه‌ساران، و کشتزارها و خرمابُنانی که شکوفه‌هایشان لطیف است؟ و هنرمندانه [برای خود] از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید. از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید. و فرمان افراطگران را پیروی نکنید: آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.» (شعراء/ ۱۴۶-۱۵۲). این آیات در رابطه با سرگذشت حضرت صالح (علیه السلام) و قوم ایشان است که آن پیامبر خدا روی نقطه‌های حساس و قابل انتقاد زندگی قوم خویش گذارده، و آنان را در یک محاکمه وجدانی

محکوم می‌کند. «پس از آن که قوم ثمود با کشاورزی و ساختمان به آبادانی زمین پرداختند، طبقه مسرفان در میان ایشان رشد پیدا کرد که کانون فساد محسوب می‌شوند، و هنگامی که مسیر جامعه انحراف پیدا کند، و ارتفاع نقطه قرار و توقف افزایش پیدا کند، در میان آنان مردمانی پدید می‌آیند که هیچ اندیشه‌ای جز تباهی ندارند، و گام‌های ایشان به طرف نهایت و پایان سرعت پیدا می‌کند، و در همین لحظه‌های قاطع از تاریخ امت‌ها و ملت‌ها است که خدا رسولان خویش را بر می‌انگیزد تا مگر مردمان به سوی او باز گردند، و از او بترسند و به فرمان رسولان وی باشند که مجری فرمانهای پروردگارند.» (Modarresi, 1998). صالح (علیه السلام) طی برخوردی قاطع به آنان هشدار می‌دهد که: خدایی که این قدر به شما نعمت عنایت نموده به شکرانه این نعمت‌ها باید متقی و پرهیزگار باشید و من که رسول و فرستاده اویم، مرا اطاعت نمائید؛ زیرا که اطاعت من اطاعت خدا است و پیرو مردمانی که در معصیت اسراف نموده‌اند، نگردید (Amin, 1982).

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) حکایت شده: «هنگامی که شنیدند شخص رباخواری با نهایت جرأت ربا می‌خورد و نام آن را شیر می‌گذارد، فرمودند: «اگر به او دست بیابم، او را به قتل می‌رسانم.» (Hor Ameli, 1988)؛ یعنی با منکر تحریم ربا باید با شدت برخورد شود. شکی نیست که عمل ناپسند رباخواری با توجه به قرآن و روایات، حرام است و در میان همه مسلمانان جهان، عملی خلاف و ناروا می‌باشد. بر همین اساس لازمه تربیت افرادی که دچار مفاسد اقتصادی نظیر ربا می‌شوند، شدت عمل و برخوردی قاطع است.

۱۳- تحلیل و تحریم: بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث، بیشتر معاملات و داد و ستدهای رایج در میان مردم، صحیح و برخی از آن‌ها باطل می‌باشند. به منظور آن که تربیت اقتصادی در دایره موازین دینی شکل گیرد، قرآن و روایات از روش تحلیل و تحریم برخی از معاملات استفاده کرده‌اند. خداوند متعال با آیه‌ی: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره/ ۲۷۵)؛ خدا داد و ستد را حلال کرد، خرید و فروش را که

نوعی کسب و تلاش اقتصادی است، حلال نموده و آیات: «حَرَّمَ الرَّبُّ» (همان)؛ ربا را حرام گردانیده است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا» (آل عمران/ ۱۳۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا مخورید، و آیات دیگر با تعبیرهای گوناگون، به مبارزه با ربا برخاسته و رباخواری را که راهی برای تحصیل درآمد و افزایش سرمایه است، ناروا دانسته‌اند. آیات مزبور، به طور مطلق، جنس بیع را حلال و جنس ربا را حرام کرده‌اند. «اسلام با تحریم ربا جلوی تفاوت درآمدها و ثروت‌های بی‌شمار ناشی از آن را گرفته است. قرآن با صراحت رباخواری را منع نموده و آن را جنگ با خدا و رسول او و ستم به دیگران بشمار آورده است.» (Ghaderi Houri, 2011).

علاوه بر قرآن، احادیث نیز تأکید بر این شیوه تربیت اقتصادی داشته و برخی امور اقتصادی را حرام و برخی دیگر را حرام معرفی کرده‌اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به روایت امام باقر (علیه السلام) در مورد روزی حلال می‌فرماید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سخنرانی حجة‌الوداع فرمود: آگاه باشید! جبرئیل به من چنین گفت: که هیچ کس تا روزی سهم خود را تمام نکند (و آن چه سهم اوست نخورد) نمی‌میرد. پس، از خدای بزرگ بترسید، و در کسب مال اعتدال داشته باشید، و دیر رسیدن مقداری از روزی شما را بر آن ندارد که با معصیت خدا خواستار به دست آوردن آن شوید؛ زیرا که خداوند متعال روزی را به صورت حلال میان آفریدگان خود بخش کرده است نه به صورت حرام، پس هر کس از خدا بترسد و بردبار باشد، خدا روزی او را از حلال به او می‌رساند، و هر کس پرده پوشیدگی را بدرد و شتاب کند و آن را از راه غیرحلال به دست آورد، به اندازه آن از روزی حلال او بریده می‌شود روز قیامت نیز باید حساب آن را پس بدهد.» (Hor Ameli, 1988) در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نیز امر شده: «لَا تَدَعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ» (Hor Ameli, 1988)؛ هیچ‌گاه از تحصیل روزی حلال روگردان مباش. مال حلال یاور و معین تو در حفظ دین و ایمان تو است. یکایک این روایات بیانگر آن است که آدمی در امور اقتصادی باید حدود و چهارچوب

تحلیل و تحریم‌های الهی را بداند و در حدود و ثغور موازین دین فعالیت نماید و به بهانه‌های واهی از قبیل کسب درآمد بیشتر، تن به معاملات و کسب و کار حرام ندهد.

نتیجه‌گیری

واکاوی آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) با عنایت ویژه به موضوع تربیت اقتصادی گواهی می‌دهند که در آموزه‌های الهی و روایی، روش‌های رفتاری وجود دارند که با استفاده از آن‌ها می‌توان به تربیتی صحیح در عرصه اقتصادی دست یافت. آیات و روایات همه انسان‌ها را به کار و تلاش فرا می‌خوانند و با ارائه الگویی اقتصادی، همگان را به دقت نظر در عملکرد الگوها توصیه می‌کنند. همچنین آموزه‌های دینی، موعظه و نصیحت‌هایی اقتصادی مطرح کرده‌اند. دعوت به قناعت نیز در رأس توصیه‌های قرآن و معصومان (علیهم السلام) بوده است. گفتنی است به منظور دست یافتن به تربیت اقتصادی باید برنامه‌ریزی درستی در امور اقتصادی داشت. تعالیم دینی اسلام همچنین از اسراف و تبذیر نهی نموده و تأکید کرده‌اند که افراد و جوامع باید مصارف خود را تحت کنترل قرار دهند تا از ریخت و پاش‌های مالی و تضییع سرمایه‌های اقتصادی پیشگیری گردد. آموزه‌های قرآنی و روایی همگان را به میانه‌روی در فعالیت‌های اقتصادی دعوت نموده‌اند. قرآن و روایات تلاش نموده‌اند تا روحیه خودکفایی را در میان افراد ترویج دهند. همچنین به تصریح آیات و روایات باید بر عملکرد اقتصادی انسان‌ها کنترل و نظارت داشت و هر کجا احساس نیاز شد، از روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر استفاده شود. همچنین مشاهده می‌شود قرآن و روایات با استفاده از روش تذکر و یادآوری به دنبال تربیت جوامع بشری بوده و در برخی موارد نیز برخوردی قاطع با مفسدان اقتصادی صورت گرفته است. قرآن و روایات همچنین با اعلام فعالیت‌های اقتصادی حلال و تحریم برخی اعمال اقتصادی، زمینه را برای تربیت اقتصادی سامان بخشیده‌اند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

One of the significant and contemplative domains in Islamic philosophy of education is the realm of "economic education." Islam, regarded as the most complete religion established by God, provides comprehensive programs for all aspects of human life. Economic issues hold particular importance within Islamic teachings, with numerous verses from the Qur'an and traditions of the Imams (peace be upon them) addressing these concepts (Ragheb Esfahani, 2007). This underscores the necessity of integrating economic education within the broader framework of Islamic education to foster holistic societal development.

Economic education is essential for the growth and prosperity of society, as an economically flawed community cannot achieve true happiness and completeness. Policymakers in developed countries have historically prioritized economic education based on ideal individual and social life models. However, despite these efforts, Islam has inherently emphasized economic concerns from its inception, advocating for a balanced and ethical economic system that aligns with divine commands (Makarem Shirazi, 1995). This highlights the importance of referencing authoritative Islamic sources, such as the Qur'an and Hadith, for effective economic education within Muslim communities.

To facilitate a comprehensive understanding, key concepts such as "behavioral methods" and "economic education" are defined based on classical Islamic sources. "Behavioral methods" refer to specific ways of action and individual inclinations shaped by one's mindset and understanding (Sadeghian & Alizadeh, 2011). "Economic education," as defined by Saif (2008), involves creating the necessary preparedness in the educated individual to recognize and optimally develop their economic talents, manage resources prudently, and conduct economic activities in accordance with divine law, all aimed at achieving

closeness to God and societal well-being (Saif, 2008).

The Qur'an and the Hadith of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) offer a plethora of behavioral methods for economic education. One such method is the "encouragement to work and effort," which is highly emphasized in Islamic teachings. The Qur'an presents work as both a general obligation encompassing all forms of effort and specifically as economic activity. Verses such as "And that there is not for man except that [good] for which he strives" (Qur'an, 53:39) illustrate the importance of labor in achieving material prosperity and personal fulfillment. Additionally, the Prophet Muhammad (peace be upon him) and the Imams (peace be upon them) exemplified and advocated for diligent work, demonstrating its value in both personal and societal contexts.

Another key behavioral method is the "providing of role models." The Qur'an presents figures like Prophet Shu'ayb (peace be upon him) as exemplary economic models who advocated for fair trade practices and discouraged deceit and exploitation in commerce (Qur'an, 7:85). Similarly, the Imams exemplified ethical economic behavior through their own actions, promoting honesty, fairness, and responsibility in economic dealings (Nahj al-Balagha, Letter 45). These role models serve as practical guides for Muslims to emulate in their economic activities, fostering a community grounded in trust and ethical standards.

The method of "preaching and admonition" is also prevalent in Islamic economic education. Prophets and Imams used sermons and teachings to warn against economic corruption, such as cheating in measurements and fraudulent trading, as seen in the exhortations to Prophet Shu'ayb (Qur'an, 7:85). The use of preaching serves to remind and educate the community about the consequences of unethical economic behavior, reinforcing the importance of integrity and justice in all economic transactions (Hosseini Hamedani, 1983).

"Encouraging contentment" is another behavioral method emphasized in the Qur'an and Hadith. Contentment, or "qana'ah," is portrayed as a moral virtue that prevents excessive consumption and wastefulness. Verses like "O children of Adam, take your adornment at every masjid" (Qur'an, 7:31) advocate for moderation in consumption and discourage extravagance (Khansari, 1987). By fostering contentment, Islamic teachings aim to cultivate a balanced approach to economic life, where individuals are satisfied with their provisions and avoid the pitfalls of greed and materialism. Proper "planning and management" of economic activities is also highlighted as a crucial behavioral method. The story of Prophet Yusuf (peace be upon him) in the Qur'an illustrates the importance of strategic planning in economic management. Faced with a severe drought, Prophet Yusuf implemented a long-term plan for resource management, ensuring the sustainability and stability of the community (Qur'an, 12:47-49). This example underscores the significance of foresight and organized planning in achieving economic resilience and prosperity (Hosseini, 2021). Avoiding "wastefulness and extravagance" is strongly advocated in Islamic economic education. The Qur'an repeatedly commands moderation and the avoidance of excess in consumption. Verses such as "And do not spend wastefully" (Qur'an, 7:31) emphasize the importance of prudent resource management and responsible consumption (Jamali, 2006). By discouraging wastefulness, Islamic teachings promote sustainability and equitable distribution of resources, ensuring that economic activities contribute positively to societal welfare without depleting available resources. Finally, "promoting self-sufficiency" and "enjoining good and forbidding evil" are integral behavioral methods for economic education in Islam. The Qur'an encourages Muslims to be self-reliant and to contribute to the economic stability of their communities (Qur'an, 4:5). Additionally, the principles of enjoining good and forbidding evil serve to maintain ethical standards and prevent

economic corruption, fostering a just and prosperous society (Soroush & Moghaddas Nia, 2008). These methods collectively ensure that economic education is not only about knowledge but also about cultivating the right attitudes and behaviors aligned with Islamic values.

In conclusion, the Qur'an and the Hadith of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) provide comprehensive behavioral methods for economic education. These methods include encouragement of work, provision of role models, preaching, promoting contentment, proper planning, avoiding wastefulness, controlling consumption, and fostering self-sufficiency. By integrating these behavioral approaches with economic policies, Islamic teachings aim to cultivate a morally grounded and economically robust society. The study underscores the importance of adhering to divine guidelines to achieve effective economic education and societal well-being

References

- Aghanazari, H. (2012). *Scientific Theorization of Islamic Economics*. Samt Publications.
- Akbari Dehziri, M. (2012). *Foundations of Economic Anthropology from the Perspective of the Quran and Shia Hadiths*.
- Amin, S. N. (1982). *Makhzan Al-Irfan in Quranic Interpretation*. Nehzat Zanan Musalman.
- Dehkhoda, A. A. (1992). *Loghatname Dehkhoda*. University Publications.
- Delshad Tehrani, M. (2006). *A Journey in Islamic Education*. Nashr Darya.
- Delshad Tehrani, M. (2015). *Rokhsare Khorshid*. Nashr Darya.
- Ghaderi Hour, M. (2011). *Quranic Economic Solutions for Establishing a Healthy Society*.
- Gonabadi, S. M. (1987). *Tafsir Bayan Al-Sa'adah Fi Maqamat Al-Ibadah*. Al-A'lami Publications.
- Hor Ameli, M. I. H. (1988). *Wasael Al-Shia*. Al-Bayt Institute for Reviving Heritage.
- Hosseini Hamedani, S. M. H. (1983). *Anwar Derakhshan*. Ketabfroushi Lutfi.
- Hosseini, S. A. (2021). Investigating the Economic Governance Characteristics of Hazrat Yusuf (AS) and Its Relationship with Resistant Economy Policies Based on Quranic Knowledge. National and First International Conference on Transcendent Governance,

- Ibn Babawayh, M. I. A. (1992). *Man La Yahduruhi Al-Faqih*. Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Shu'bah Harrani, H. I. A. (2003). *Tuhf Al-Uqul*. Amir Kabir Publications.
- Jafari, Y. *Tafsir Kowsar*. n.p.
- Jamali, G. (2006). *Economic Management from the Perspective of Quranic Verses and Hadiths*. Zamzam Hedayat.
- Jawhari, I. I. H. (1989). *Al-Sahah*. Dar Al-Ilm.
- Kazemi, A. A. (1995). *Method and Insight in Politics*. Office of Political and International Studies.
- Khansari, M. I. H. (1987). *Sharh Mohaqiq Bare' Jamal Al-Din Mohammad Khansari on Ghurar Al-Hikam Wa Durar Al-Kalam*. University of Tehran.
- Kulayni, M. I. Y. (1986). *Al-Kafi*. Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
- Laithi Vasiti, A. I. M. (1997). *Uyoun Al-Hikam Wa Al-Mawa'iz*. Dar Al-Hadith.
- Majlesi, M. B. I. M. T. (1982). *Bihar Al-Anwar Al-Jami'ah Li-Durar Akhbar Al-A'immah Al-Athar*. Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (2006). *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence*. Imam Ali Ibn Abi Talib School.
- Modarresi, M. T. (1998). *Tafsir Hedayat*. Islamic Research Institute of Astan Quds Razavi.
- Mohammad Qasemi, H. (2010). *Educational Principles in Quranic Stories*. Chap Va Nashr Bayn Al-Milal.
- Mostafavi, H. *Al-Tahqiq Fi Kalamat Al-Quran Al-Karim*. Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.
- Motahhari, M. (1992). *Education and Training in Islam*. Sadra Publications.
- Muttaqi Hindi, A. I. H. A.-D. (1988). *Kanz Al-Ummal Fi Sunan Al-Aqwal Wa Al-Afal*. Al-Risalah Publications.
- Najafi Khomeini, M. J. (1979). *Tafsir Asan*. Islamic Publications.
- Qarashi, S. A. A. (1998). *Tafsir Ahson Al-Hadith*. Baysat Publications.
- Ragheb Esfahani, A. Q. H. I. M. (2007). *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*. Dar Al-Ma'arif.
- Sadeghian, A., & Alizadeh, S. (2011). *Quran and Life Satisfaction*. Islamic Azad University Publications.
- Saif, A. A. (2008). *Modern Developmental Psychology*. Duran.
- Salari Far, M. R., & et al. (2014). *Social Psychology with a View to Islamic Sources*. Samt Publications.
- Sayyidi, B., & Ahmadi, P. (2019). Explaining the Elements of Economic Education Curriculum in the General Education Period. *Iranian Curriculum Studies*(55).
- Soroush, M., & Moghaddas Nia, S. M. (2008). *Enjoining Good and Forbidding Evil*. Zamzam Hedayat.
- Tabarsi, F. I. H. (1998). *Tafsir Jawami Al-Jami*. University of Tehran Publications.
- Tusi, M. I. H. (1969). *Tahdhib Al-Ahkam*. Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.